

دل‌ها در اربعین؛ قدم‌ها در خیابان

پای صحبت آن‌ها که حلاوت حضور در پیاده‌روی اربعین را چشیده‌اند و امسال تجربه متفاوتی پیش رو دارند

گزارش
روز



خبرنگار

مقصودم قربان

یکی می‌گوید من اینجا آمده‌ام نه برای زیارت و نه برای دیدن هنگامه بزرگ و میلیونی آدم‌ها. من نمک‌گیر این خاک شده‌ام. خیلی‌های دیگر مثل او هستند و عطش رسیدن به ایام را داشته‌اند. حس به دریا ریختن و بزرگ و وسیع شدن از کام آن هانمی‌رود که نمی‌رود؛ آن‌ها که هر وقت نام حسین (ع) می‌آید، می‌گویند ادبیات عشق و رزی به تو چه عمر بلندی دارد و بلافاصله و پشت بندش هزارا... اکبرش را می‌آورند تا از چشم زخم در امان بماند. انصافا این حب و محبت خالص و بی‌شلیقه پیله، جهان را در روزهای سخت، فراخ و روشن و دلچسب می‌کند. اربعین در پیش است. به این بهانه با کسانی هم کلام شدیم که هر سال این ایام، زمان مهیاشدن و رفتنشان به عراق می‌شود. به قول خودشان با به رودخانه‌ای می‌گذارند که قطره قطره به دریای ریزد و سیرایشان می‌کند و هیچ بهانه‌ای، مانع از سفرشان نبوده است و نخواهد بود. اما امسال جریان فرق می‌کند؛ وقوع جنگ و بلافاصله بعد از آن روایت خیابان و چند ماه حضور شبانه در میدان‌های شهرمان، شرایط را حساس کرده است. باید روح یکپارچه ایران را به هر قیمتی که شده است، حفظ کنیم. این گفته من نیست؛ حرف تمام کسانی است که هم تجربه گام برداشتن و راه رفتن در پیاده‌روی اربعین حسینی را دارند و هم طعم حضور در گرما و سرمای شب‌های خیابان را چشیده‌اند و می‌توانند ساعت‌ها درباره آن حرف بزنند.

خیابان‌ها نباید خالی بمانند

کوله پشتی هایشان را آماده گذاشته‌اند و گذرنامه‌ها را هم. آن طرف تر، بلیت قطارشان را جلوی چشم گذاشته‌اند و منتظرند که وقت سفر برسد. رضا حسن زاده می‌گوید: سفر اربعین را خانوادگی می‌رویم. امسال مشتاق تر از همیشه بودیم که محرم برسد و وصلمان کند به این روزها. بعد خلاصه‌ای از جریان مسافرت هایشان را تعریف می‌کند: «سفر و پیاده روی برای اربعین، جزو برنامه‌های هر سالمان است. بهجت و سروری که در این جمع حاکم است، حال آدم را خوب می‌کند. سال پیش، سال عجیبی بود. جنگ حوصله مان را عجیب کم کرده، شهادت بچه‌های قدونیم قد، سربازها، بزرگ‌ترها و کوچک‌تر هایشان و شهادت رهبر انقلاب، دل و دماغی برای هیچ کدام مان نگذاشته است. چشم‌انتظاری ما بعد این روزهای سخت سال به این بود که محرم بیاید و بعد، اربعین. واقعیتش برای یک سفر چندروزه کلی برنامه ریخته بودیم. دستان آمده که برای این چند روز چه چیزهایی لازم است. همه چیز را خلاصه کرده بودیم در چند کوله کوچک با برداشتن همان مایحتاج اولیه، مسواک و حوله و... اما حالا مردد مانده‌ایم بین سنگر خیابان و پیاده روی اربعین، کدام یکی را انتخاب کنیم.» ادامه می‌دهد: اربعین، حدود یازده سال است برای ما مسئله شده و مورد توجه قرار گرفته است. یعنی از همان سالی که صدام سقوط کرد و جریان راهپیمایی، گام به گام و قدم به قدم شکل گرفت و هر سال پررنگ تر شد. کم‌کم یاد گرفتیم هر زمانی که توفیق داشتیم و شرکت کردیم، از پدیده‌ای به این بزرگی به اندازه ظرفیت و جودى خودمان، چیزی برداشت کنیم. البته چند ماه است موسمی شبیه اربعین در مقیاس خیلی کوچک‌تر در کوچه و خیابان‌های ما شکل گرفته است که ما خودمان را در قبال آن مسئول می‌دانیم؛ جریانی که خرده خرده شکل گرفت و کم‌کم پرخروش شد. حالا خیلی از جریان‌های فرهنگی، پویایی و حیاشان را از خیابان و میدان دارند. حضور در اربعین نباید به گونه‌ای باشد که حتی یک خیابان از خیابان‌های فعال شهر، تعطیل یا خالی شود و مدیریت این موضوع با خود مردم است که هم از دریای محبت اهل بیت^(ع) بی‌نصيب نمانند و بروند و با حلاوتی که بر قلب هایشان می‌نشیند، پرانرژی برگردند و هم اینکه این میدان را خالی نگذارند. کوتاه می‌گوید: من سفرم را امسال کوتاه تر کردم.



دانش‌آموزان در سنگر می‌مانند

فرشته ایرجی نیا معلم است و مثل خیلی‌های دیگر، یک سال منتظر مانده است تا موسم اربعین برسد. می‌گوید: ما با اهل بیت^(ع) و محبت آن‌ها زنده‌ایم. اعتقاد دارد وظیفه هر آموزگاری است که درباره این جریان‌ها با دانش‌آموزانش صحبت کند؛ اینکه تجمع اربعین، سیاسی‌ترین راهپیمایی است که اگر سیاسی و مهم نبود، رسانه‌های غربی آن را بایکوت نمی‌کردند. می‌گوید: جنگ، فرصت تحصیل پشت میزهای کلاس را گرفت. اما فرصتی جدید پیش روی ما گذاشت. همه باهم به خیابان آمدیم؛ من به همراه کسانی که در مجاورتم بودند، در موقعیتی قرار گرفتیم که این ماجراها را در قالب زنده و کنار هم و باهم مرور کنیم. کنار خیابان، موکت پهن کردیم و تخته سیاه گذاشتیم تا راسالت‌مان را انجام دهیم. بارها برای آن‌ها و به زبان خودشان تعریف کردم که هزار و چند سال گذشته، شخص مقدسی به نام امام حسین^(ع) شهید شده است و حالا در اربعینش یک جمع عزادار و منسجم حرکت می‌کنند و پایه پای هم راه می‌روند. در هیچ مکتب و ملت و تمدنی، چنین چیزی وجود ندارد. اصلا این جریان در شرق و غرب عالم یک استثناست؛ اینکه در این همایش همه باهم دوست هستند و بارها از خودشان پرسیدم فکر می‌کنید چه انرژی است که این همه آدم را جذب خود می‌کند و از هر نقطه‌ای در این سرزمین به خود می‌کشاند.

ایرجی نیا می‌گوید: من با دانش‌آموزانم در تجمعات شبانه حضور داشته‌ایم؛ از همان ابتدا تا حالا. خوشحالم؛ چون قرار نیست به کتاب و منبهی رجوع کنیم تا باورشان شود که وقتی انسان به انسان گره بخورد، هیچ چیز نمی‌تواند از هم جدایشان کند. بارها باهم حرف زدیم و گفتم هر جمع میلیونی هر جای دنیا باشد، رسانه‌ها شبانه روزی آن را پوشش می‌دهند. ولی وقتی چنین جمعیتی هرساله راه می‌افتد و جریان‌سازی می‌کند، لنز دوربین‌های دنیا خاموش می‌ماند. حالا شرایط کشور حساس است. من معلم وظیفه دارم مراقب این شرایط باشم و بچه‌ها هم خودشان را مسئول می‌دانند. جنگ آن‌ها را هم یک دفعه بزرگ کرد. او ادامه می‌دهد: از بیست روز قبل، بلیت گرفته و برای رفتن آماده بودم تا اینکه روحانیان و کسانی که با آن‌ها تعامل داریم، اعلام کردند امسال حفظ سنگر خیابان، مهم‌تر است. این سفر را قلبا دوست دارم و حال روحی‌ام را خوب می‌کند اما می‌دانم که شرایط خاص است. تصمیم گرفتیم بمانیم و سفر را لغو کنیم تا اینکه پیام رهبر عزیزمان، آیت... سیدمجتبی خامنه‌ای، رسید؛ پیاده روی اربعین امسال را به نیت رهبر شهیدمان و همه شهدا شرکت کنیم. با دانش‌آموزان صحبت کردم. قرار شد آن‌ها سنگر خیابان را حفظ کنند و من معلم بروم کرلا تا برایشان درسی تازه بیاورم.



هم هستیم، هم می‌رویم

حالا خیلی‌ها با سرزمین نجف نسبت پیدا کرده‌اند، با آدم‌های این سرزمین رفیق شده‌اند و قرارشان را برای سال‌های بعد می‌گذارند و مشتاق‌اند که نوبت این رستخیز بزرگ حضور داشته باشند. سید مهدی کریمی یکی از آن‌هاست که در شروع صحبت، گریزی به این جریان می‌زند. می‌گوید: پیاده‌روی اربعین در عزای امام حسین^(ع) است، ولی در این راهپیمایی غم نمی‌بینیم. یعنی غصه‌ای که آدم را راکد کند، نیست. این سرور و بهجت در هیچ برنامه‌ای دیده نمی‌شود؛ به خاطر همین خیلی‌ها رامتاق می‌کند تا تشنگی، گرسنگی، خستگی و گرما را به جان بخرند و انرژی عجیب و بی‌نظیر آدم‌ها را یک جاببینند و سرخوشی آن را برای روزهای بعدشان ذخیره کنند. او ادامه می‌دهد: البته ما هنوز در شرایط جنگی هستیم و با توجه به شدت حملات در جنوب کشورمان، این رسالت بر دوشمان هست که سنگر خیابان را خالی نگذاریم و به شدت مراقب این جریان باشیم. دشمن دنبال کوچک‌ترین فرصت است تا آسیبی به روح یکپارچه ایران بزند. برجسته بودن جریان خیابان، باید همچنان چشم دشمن را بگیرد و حالش را خراب کند و محقق شدن این موضوع، بستگی به اتحاد و باهم بودن ما دارد. معمولا بیشتر کسانی که در تجمعات شبانه حضور دارند، اهل پیاده روی اربعین هم هستند اما من خودم به این نتیجه رسیدم که باز سفر را نباید طولانی کرد و اگر به فرض قیلا یک دوره هفت روزه را به این سفر اختصاص می‌دادیم، حالا می‌توانیم به یک تا دو روز آن را خلاصه کنیم تا خللی در فعالیت‌ها ایجاد نشود.

وحدت بر هر چیزی مقدم است

نوید رضاعرفانیان یک فعال فرهنگی است و البته مدیریت و عمران راهم زمان خوانده است و یکی از مهندسان‌های شهرمان است. اعتقاد دارد پیاده روی اربعین، قلب انسان‌ها را تکان می‌دهد. می‌گوید: اربعین یک فرایند تمدن‌ساز است و مختص یک سال و دو سال و چندسال نیست و نخواهد بود. من اگر بخوام با عدد و رقم هم صحبت کنم، نمی‌توانم از جمعیتی حرف بزنم که هر سال در این مناسک شرکت می‌کنند. عالم باید معجزه قلب‌هایی را که از حادثه عاشورا متأثر هستند، ببیند؛ از اینکه عده‌ای زبان هم را نمی‌فهمند، ولی ساعت‌ها باهم حرف می‌زنند و از رابطه‌هایی که بین میزبان عراقی و میهمانان کشورهای مختلف است، باید فیلم برداری کنند. این صحنه‌های نجات بخش باید روایت شود؛ روایتشان هم می‌کنیم.

عرفانیان صحبتش را این‌طور ادامه می‌دهد: «با این حال مقتضیات زمانه ایجاب می‌کند ملاحظاتی داشته باشیم؛ اینکه وحدت و هم‌افزایی در حال حاضر مقدم بر هر چیزی است. ما قهرمان کم نداریم. این جریان هم قابل مدیریت است. عشاق اباعبد...^(ع) نباید میدان را خالی بگذارند. به نظرم شبیه این است که بخوایم سفری برویم و خانه و اموالمان را برای چند روز به یک نفر بسپاریم و حالا هم همین اتفاق افتاده است. من نوعی به سپرخاله‌ام، به دوستم، به همسایه‌ام، به همکارم بگویم فلانی! چندی که من نیستم، شما سنگر خیابان را حفظ کنید و آن وقت هر دو باهم در اجر پیاده‌روی اربعین و زیارت امام حسین^(ع) و... شریک می‌شویم.»



این سنگر خالی نمی‌ماند

حرف‌های تکتیم علویور هم که تجربه ۹ سال پیاده روی نجف تا کربلا را داشته، همین است. به این باور عمیق‌ایمان دارد که نهال دوستی و مودت و مهریانی در دین و حب اهل بیت^(ع) است و از همه کسانی که امسال راهی این سفر هستند، می‌خواهد در هر قدمی که برمی‌دارند، اول از همه برای حفظ این نهال دعا کنند و برای سربلندی ایران اسلامی. او می‌گوید: بیش از صد شب متوالی و در هر شرایطی ما به خیابان آمدیم و هر نقطه‌ای که حس می‌کردیم خلوت‌تر است، برنامه ریختیم و مدیریتش کردیم. شعار دادیم و فعالیت‌های فرهنگی مان را آنجا متمرکز کردیم؛ چون خودمان را مسئول می‌دانیم. ما این امنیت و آرامش را مدیون آدم‌های با مرام و با معرفتی هستیم که این سنگر را خالی نکردند و البته حالا هم دلشان می‌تپد برای رفتن به عراق و گام گذاشتن در مسیری که لذتی وصف‌ناپذیر دارد و در دل کردن در مسیر عمودهایی که از نجف تا کربلا قد علم کرده‌اند. من مشورت کردم؛ کسانی که در گروه مسجدی ما سرگروه هستند، اعلام کردند بهتر است امسال هم این سفر را برویم؛ کم‌اینکه خانواده ما هم این کار را می‌کنند و عازم هستیم اما طول سفر را کمتر می‌کنیم. زود به شهرمان برمی‌گردیم؛ به جمع شب زنده داران خیابان. ما می‌رویم و برای در خیابان ماندن، مدد می‌گیریم و برمی‌گردیم.

حفظ هر ۲ سنگر، مهم است

باقری، مسجدی است و از فعالان فرهنگی که اعتقاد دارد با توجه به تهدیدهای داخلی و نظامی، حفظ هر دو سنگر مهم است. می‌گوید: اینکه داخل شهر بمانیم، اتفاق خیلی مهمی است و نباید از آن غفلت کنیم که اگر خدای نکرده تزلزلی ایجاد شود، جبران کردن آن خیلی سخت می‌شود؛ به خصوص برای عزیزیانی که مسئولیت‌های متعددی در این تجمعات عهده دار هستند. البته از معجزه این راهپیمایی نباید غافل باشیم؛ اینکه در ایام خاص ما میبوت معرفت آدم‌های با مرامی هستیم که از همه چیز زندگی‌شان می‌گذرند تا پذیرای میهمان اباعبد...^(ع) باشند. این آدم‌ها و این شکوه، جهان ما را روشن می‌کنند و امید می‌دهند. اما طبیعتا در این ایام گرم برخی سالمندان که توانایی حضور در گرمای عراق را ندارند، می‌توانند جای جوانان را در این شب‌ها پر کنند. جامعه‌ایمانی ما آن قدر قدرتمند هست که هر دو سنگر را باهم داشته باشد.



در خیابان می‌مانیم تا انتقام بگیریم

محمد علی ساقی امامی‌مانند، تردید هم ندارد و می‌گوید: جای همه کسانی که می‌روند رویه روی حرم امام حسین^(ع) می‌ایستند و سلام می‌دهند و حلاوت قدم زدن بین نجف و کربلا را می‌چشند، من اینجا می‌مانم و همین‌جا از راه دور، از اباعبد...^(ع) می‌خواهم به زودی زود بتوانیم انتقام رهبر شهیدمان و همه شهدای جنگ تحمیلی را بگیریم؛ ما انتقام می‌گیریم.



خیابان را رها نمی‌کنیم

مریم روح بخش نیز معتقد است تجمعات شبانه، یک میدان جهادی جدید است و می‌گوید: از اسفندماه که جریان شهادت رهبر عزیزمان و تجمعات پیش آمد، ما به میدان آمدیم؛ در سرما و گرما، در ماتم رهبر شهیدمان و همه شهدای دیگر. با حال بدی که داشتیم، حفظ این سنگر به هر قیمتی وظیفه‌مان شده بود و هست؛ به همین خاطر حتی روزه‌ها و سخنرانی‌ها و نمازهایمان را آورده‌ایم کف خیابان و تا رسیدن به نتیجه، سنگر خیابان را رها نمی‌کنیم. روح بخش هم چند سال متوالی است پیاده روی اربعین را خانوادگی می‌روند اما امسال ترجیح می‌دهد که مشهد بماند و این سفر را بگذارد برای یک وقت دیگر. دلش را هم می‌گوید: «توی سال تالمان بخواد، فرصت رفتن به سفر است.»

بعد محکم ادامه می‌دهد: به همان چند جرعه چای عربی که در داغ‌ترین روزهای جهان سرکشیده‌ام، به تاول‌های پای‌های سوخته‌مان و به دل‌های گر گرفته و ملتهبمان، انتقام رهبر شهیدمان را می‌گیریم. ما فقط با انتقام، آرام می‌شویم و بعد اگر لایقش بودیم و فرصت شد، دعوت خالصانه امام حسین^(ع) را لایق می‌گوییم.

